

این درست نیست که پیشرفت‌ها فقط در لاس مرسدس [محلّه] اعیان‌نشین در شرق کاراکاس [قابل مشاهده است. اگر اغراق نباشد، این روزها [قبل از کریسمس] افرادی در کاتیا، آنتیمانو یا لا اویادا [محلّه‌های معمولی در کاراکاس] بودند که طوری پول خرج می‌کردند انگار نه انگار که از پس امروز بود فردایی، اما این دموکراتیزه کردن مصرف‌گرایی لجام‌گسیخته توهمی بیش نیست و بخش‌های آسیب‌پذیرتر را نادیده می‌گیرد. به عبارت دیگر، نابرابری را در هر دو جنبه عینی و نمادین افزایش می‌دهد.

از نظر ایوا، مضرتر از همه این‌ها، از منظر دولت و حزب حاکم، این است که گفتمان «مصرف بیشتر برابر است با رشد اقتصادی بیشتر که مساوی است با سعادت اجتماعی بیشتر»، از نظر ساختاری، گفتمان دشمن است. و در سیاست، کسانی که با گفتمان دشمن هم‌بالین می‌شوند، در نهایت فرزند دشمن و بال گردن‌شان خواهد شد (فرقی هم نمی‌کند نطفه آن موجود با نیت خیر بسته شده یا خیر).

این برای چاوایسم پیامدهای خوب و بد دارد. جنبه خوب این است که درگیری‌های روزمره کاهش می‌یابد. دیگر جو تقابل و آشفتگی دائمی که سال‌ها شاهد آن بودیم وجود ندارد؛ جوی که چندین فصل ایام تعطیلات را به کام همه زهر کرد و در گرماگرم خود، تقریباً ما را به سوی جنگ داخلی سوق داد.

جنبه بد این است که دیگر هیچ تفاوت واضحی بین برنامه‌های اساسی چاوایسم و ضدچاوایسم وجود ندارد. و به گفته دوستان تحلیلگر سیاسی من، فقدان تفاوت به نفع هر کسی است که «تغییر» را نمایندگی می‌کند، حتی اگر برنامه پیشنهادی‌اش مبهم یا نادرست باشد. اگر دولت و معارضان نسخه مشابهی بپیچند، مردم ممکن است به سمت مخالفان متمایل شوند، به خصوص وقتی پای دولتی وسط باشد که مدتی مدید را در قدرت سپری کرده است.

طبق پیش‌بینی ایوا، «دستورالعمل حفظ یک سنکر انتخاباتی، صرف‌نظر از این‌که آیا آن وعده‌ها عملی شده یا خیر، تاکنون این بوده که برنامه پیشنهادی متفاوتی نسبت به جناح راست جلوی مردم قرار گیرد. اگر این تمایز کاملاً مخدوش شود، حتی در سطح گفتمان، بخش دیگری از رأی‌دهندگان چاوایست به سمت گزینه‌های دیگر یا رأی ممتنع متمایل خواهند شد.»

ریزش در وفادارترین‌ها

جنبه دوم واقعیت چاوایسم که توسط این دو تحلیلگر سیاسی برجسته شده این است که به نظر آن‌ها، وسعت پایگاه اجتماعی حامیان انقلاب همچنان رو به کاهش بوده است. علاوه‌براین، ریزش در میان کسانی که تاکنون وفادارترین‌ها بوده‌اند، سریع‌تر است: تهیدستان شهری، دهقانان، و مستمری‌بگیران.

آیا بهبود اوضاع در ونزوئلا به این معناست که دولت مطمئناً پیروز می‌شود، یا ماجرا پیچیده‌تر است؟

دیدگاه‌های صریح یک تحلیلگر سیاسی درخصوص سیاست‌ها و چشم‌انداز انتخاباتی دولت ونزوئلا

کلودوبالدو ارناندس

مترجم: عدنان علوی

منبع: ونزوئلا آنالیزس مورخ ۱۰ ژانویه ۲۰۲۳

این واقعیت که سال ۲۰۲۲ برای اپوزیسیون ونزوئلا (به‌ویژه جناح آتش افروز آن) سالی ازدست‌رفته به حساب می‌آید به این معنی نیست که برای دولت سال توفیق بود؛ دست‌کم نه از نظر دورنمای انتخاباتی.

باید هشدار بدهم که اعتراف به این موضوع برای بسیاری از افراد مهم در اردوگاه انقلاب دشوار است. درواقع، افراد زیادی تأکید می‌کنند که این عقیده نشانه‌ای از نهایت «اسکوالیدیسم»^۱ (همدلی با معارضان) و خیانت قریب‌الوقوع است. البته که هرکس حق دارد برای خودش عقیده‌ای داشته باشد.

به‌طور خلاصه، پس از نوشتن در مورد معارضان که چطور سال ۲۰۲۲ را هدر دادند و اکنون هم دقیقاً به ضررشان می‌گذرد، در این مقاله دیدگاه‌های خود و همچنین نظر دو تحلیلگر سیاسی مورد علاقه‌ام یعنی پرودیخیو پرس و اوا ریتس مارکانو را در میان می‌گذارم. ما در مورد این‌که سال گذشته برای چاوایسم چگونه سپری شد و آنچه در پیش است صحبت می‌کنیم.

بهبود نابرابر

پرودیخیو تأکید می‌کند که بحث (گاهی جدی، گاهی گزنده) در مورد این‌که آیا اوضاع ونزوئلا در حال بهبود است یا خیر، چنانچه این بهبود را «نابرابر» بدانیم، ممکن است زمینه‌ای غیرجانبدارانه پیدا کند.

به نظر او—که من و ایوا هر دو با آن موافقیم—بهبود از نظر شاخص‌های اقتصادی انکارناپذیر است، اما مشخصه آن نابرابری شدید است، که خصلت سرمایه‌داری وحشی به‌شمار می‌آید. این درست در جهت مخالف حرکت جامعه به سوی سوسیالیسم است.

دارد که بومرنگ‌وار برمی‌گردد و ضد دولت و حزب حاکم، یعنی حزب سوسیالیست متحد (ح‌س‌م) عمل می‌کند: فساد.

خودنمایی و لنگارانه‌ی ثروت در خیابان‌ها یکی از آشکارترین نشانه‌هایی است که می‌گوید «اوضاع در ونزویلا روبه‌راه شده است». اما باید توجه داشت که برخی از این نمایش‌ها را آن دسته از مقامات دولتی به‌راه می‌اندازند که اگر بر اساس درآمد قانونی خود زندگی می‌کردند، قاعدتاً نمی‌توانستند از این سبک زندگی «بچه‌مایه‌دارها و بچه‌معروف‌ها» لذت ببرند.

ترکیبی هولناک در صحنه‌ی نمایش حضور دارد: کسانی که نمی‌توانند (یا نمی‌خواهند) ثروت بی‌حد و حساب خود را پنهان کنند، رسانه‌های دست‌راستی و دم‌ودستگاه تبلیغاتی‌ای را تغذیه می‌کنند که طبیعتاً به این فرصت‌ها نه نمی‌گویند. مخاطبان این نمایش شرم‌آور عبارتند از عموم مردم، چاوویست‌ها، مستقل‌ها یا طرفداران معارضان، که شاهدند چگونه عده‌ای از مابه‌تران از مزایای عجیب و غریب برخوردارند در حالی که اکثریت همچنان برای گذران زندگی تقلا می‌کنند.

ناگفته نماند این نمایش زمانی مذموم‌تر می‌شود که نقش‌آفرینان آن، مقامات مسئول برنامه‌های دولتی باشند که بیش از هر چیز به بخش‌های آسیب‌پذیر یادشده مربوط می‌شود، مانند مراقبت‌های بهداشتی عمومی یا طرح‌های رفاهی اجتماعی.

در میان نمایش‌های فساد، ما همچنین می‌توانیم شاهد انباشت بی‌درویک‌تر طبقه «صاحبان کسب‌وکار» باشیم که بر اساس سفته‌بازی و کلاهبرداری معامله می‌کنند. این گروهی است که مقامات از تعقیب قضائی آن دست برداشته‌اند، به استثنای موارد گاه‌وبیگاه بر خورد با دانه‌درشت‌ها.

جبهه‌ی نمادین نیز مهم است

بازسازی اقتصادی دوران اخیر، که در سال ۲۰۲۲ آشکارتر شده است، حاکی از کنار گذاشتن ارزش‌های خاصی است که قبلاً در قانون چاوویسم قرار داشتند.

به‌عنوان نمونه، مقامات در تلاش برای چرخاندن چرخ کشور، مجوز بازگشایی قمارخانه‌ها و سایر موارد مشابه را داده‌اند. چاوس در زمان خود این قبیل کارها را تخطئه می‌کرد. برخی مسئولان افتتاح یا بازگشایی این قبیل مشاغل را دلیل بر توسعه اقتصادی معرفی کرده‌اند. از هر طرف به قضیه نگاه کنیم، این یک انحراف اخلاقی است.

در عین حال، سیاست‌هایی مبنی بر واردات کالاهای تجملی که فقط در اختیار ثروتمندترین افراد قرار می‌گیرد، در پیش گرفته شده است. این‌ها در نهایت مورد استفاده‌ی پوزیسیون قرار

هر یک از این ریزش‌ها در جمع حامیان، دلایل عقیدتی و معقول دارد. فقیرترین افراد جامعه (از جمله سالخوردگان) بار سنگین این همه سال جنگ اقتصادی، کمبود، تورم شدید، تحریم و محاصره را به دوش کشیده‌اند. علاوه بر این، آن‌ها در این مرحله جدید که بخش‌های دیگر شکوفایی خود را به رخ می‌کشند، فرصتی برای بهبود وضعیت خود نداشته‌اند.

بنا به ادعای پرودیخیو، «دست‌کم زمانی که طبقه متوسط در حال مبارزه بود، رنج مشترک بود. این روزها، افزایش افسارگسیخته‌ی قیمت‌ها می‌تواند برای بخشی از مردم (که درآمد دلاری دارند یا متعلق به طبقه صاحبان کسب‌وکار هستند یا به سفته‌بازی در بازار ارز مشغول‌اند) مجذوب‌کننده باشد، اما نه برای کسانی که درآمدشان فقط به بولیوار است.»

این افسون‌زدایی به‌ویژه در میان بازنشستگان و مستمری‌بگیران جدی است، که مکرراً اوضاع را با زندگی در دوران چاوس مقایسه می‌کنند. اگرچه وضعیت اقتصادی در آن دوران زمین تا آسمان فرق می‌کرد، باید اذعان کرد بسیاری از آن‌ها می‌توانستند با حقوق بازنشستگی خود به راحتی زندگی کنند.

وقتی نوبت به بررسی دنیای دهقانان می‌رسد، شاهد سرخوردگی هستیم زیرا نشانه‌هایی فراوان در دست است دال بر این که زمین‌داران در حال بازگشت هستند و شرکت‌های معظم کشت و صنعت از حضور در مناطقی که قبلاً در پی مبارزات طولانی و پر از رنج به تشکل‌های روستایی تعلق گرفته بود، متمتع می‌شوند. ظهور مجدد سیطره زمین‌داران در بسیاری از موارد همراه با جرم‌انگاری فعالیت رهبران دهقانی بوده است، درست مانند آنچه در سال‌های قبل از انقلاب بولیواری شاهدش بودیم.

در خصوص کارگران صنایع پایه، شرکت‌های ملی‌شده، و همچنین ثروت‌های عمومی و حتی شرکت‌های بزرگ خصوصی پدیده‌ای مشابه مشاهده می‌شود: فعالیت‌ها و اعتراضات اتحادیه‌های کارگری توسط فرآیندهای قضایی یا اقدامات نیروهای امنیتی خفه شده‌اند.

این رویکردهای مقامات (که مخالف تغییرات سیاسی نمایان است) باعث می‌شود اساس ایدئولوژیک گفتمان چاوویستی بخشی از محتوای خود را از دست بدهد. این روند حتی اگر به حمایت از جناح راست تبدیل نشود، دست‌کم انفعال سیاسی ایجاد می‌کند که بر خلاف شور و شوقی است که انقلاب را به پیش برده است.

عامل فساد

احیای اقتصادی که به شدت مورد تحسین قرار گرفته، مؤلفه‌ای

می‌گیرد تا وجود تحریم و اقدامات قهری یکجانبه را انکار کند.

از دست دادن این عناصر نمادین، ابهام ایدئولوژیک حاکم بر چاوپیست‌ها را عمیق‌تر می‌کند. این موجب تشدید انفعال (در قبال مخالفان) است که قبلاً مورد تأکید و اشاره ایوا و پرودیخو قرار گرفته بود.

یک حزب قدرتمند و فراگیر

با وجود این سناریوی ظاهراً منفی، دلایلی برای خوش‌بینی در میان اعضای رده‌بالای حزب سوسیالیست متحد وجود دارد. دلیل اصلی این است که حزب در طول سال ۲۰۲۲ سازمان خود را بازسازی و حتی شعبی در تعدادی از جنبش‌ها و ابتکارات اجتماعی که سابق بر این خارج از حزب عمل می‌کردند، ایجاد کرد.

قدرت‌نمایی ح‌س‌م در گردهمایی‌ها و مناسبت‌های درون‌حزبی و بعداً در مراسم تحلیف مقامات جدید منتخب چشمگیر بود. آن‌ها حزبی با حضوری منسجم و یکپارچه در سراسر کشور را به نمایش گذاشتند، پدیده‌ای عملاً منحصربه‌فرد در زمینی بایر و لم‌یزرع متشکل از ویرانه‌های تشکل‌های سیاسی قدیمی و احزاب کوچک که بیشتر در فضای مجازی حضور دارند تا در دنیای واقعی.

ضعف حریف

در پایان، ارزیابی وضعیت چاوپیسم در سال ۲۰۲۲ و چشم‌اندازهای آن برای رویارویی با چالش‌های کلیدی پیش‌رو را نمی‌توان از وضع موجود مخالفان در ونزوئلا جدا دانست. ضعف آشکار معارضان همچنان مزیتی کلیدی است که دولت و ح‌س‌م می‌توانند بر آن تکیه کنند.

مذاکرات مکزیکی نشان داد که برای جناح آتش‌افروز معارضان فقط برگ محاصره و تحریم باقی مانده تا از آن در مذاکرات طرفی ببنند. کسانی که خیالات متفاوتی در سر داشتند، با تصویب «قانون بولیوار»^۲ که به‌دلخواه و بدون ضابطه نام‌گذاری شده بود، و به معنای تقویت باج‌خواهی علیه ونزوئلاست، مسیر مشخص دیگری طی کردند. این اقدام (با توجه به رویکرد دولت بایدن) اقدامی سرشار از تناقض محسوب می‌شود که درصدد است، یک بار دیگر، دولت را بر سر میز مذاکره تحت فشار بگذارد.

جلسه تحلیلی با پرودیخو و ایوا با قطعه نمایشی عجیبی دنبال شد که در آن، اعضای سابق مجلس ملی که دوره آن‌ها دو سال پیش به پایان رسیده، طوری گرد هم آمدند انگار هنوز در مقام نمایندگی هستند، و رئیس‌جمهور خودخوانده مجلس منحل (یعنی خوان گوابدو) را که به خود لقب «رئیس‌جمهور موقت»

ونزوئلا را نیز اعطا کرده بود، برکنار کردند. چالش این بود که ببینیم کدام یک از جناح‌های متخاصم از لطف اربابان ایالات متحده برخوردار است. واشنگتن در نهایت از ترویج‌دهندگان «کودتا» حمایت کرد. هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که چنین اپوزیسیونی به دل هر دولتی نور امید می‌تاباند.

در اردوگاه مخالفان دولت، ما باید بخشی از چاوپیست‌های سابق (که خود را با چنین هویتی بازنمی‌شناسند) را هم بگنجانیم که طیف وسیعی را در بر می‌گیرد: از مقامات فاسد پیشین گرفته تا کسانی که بر اساس استدلال صادقانه، علیه جنبشی موضع گرفته‌اند که زمانی به آن تعلق داشتند. فی‌الحال، من و پرودیخو و ایوا، بر سر این توافق داریم که هیچ‌یک از این جناح‌ها به‌طور واقعی کسانی را که هم‌اینک در رأس انقلاب قرار دارند، تهدید نمی‌کند.

در مواجهه با این واقعیت، چاوپیسم حاکم، علی‌رغم تمام عقب‌نشینی‌هایی که در این مقاله به آن پرداخته شد، همچنان موضع برتر را حفظ کرده است. البته، این تردید جدی وجود دارد که چشم‌انداز پیروزی و بقا در قدرت بیشتر ناشی از کاستی‌های مخالفان باشد تا ناشی از شایستگی‌های حاکمان. اما چه در سیاست و چه در چندین و چند فعالیت انسانی دیگر نیز، اوضاع بر همین منوال است. □

دیدگاه‌های بیان شده در این مقاله به نویسنده تعلق دارد و لزوماً منعکس‌کننده نظر اعضای تحریریه ونزوئلا آنالیسیس نیست.

یادداشت‌ها

۱. کم‌وبیش معادل اصطلاح «صورتی‌بازی» در ایران که توسط نیروهای مذهبی موسوم به اصول‌گرا برای اشاره به موضع سایر فعالان سیاسی و اجتماعی مذهبی (به تعبیر آن‌ها، «مذهبی‌صورتی») به‌کار می‌رود که در خصوص مسائل سیاسی و به‌ویژه اجتماعی، مواضعی منعطف‌تر دارند. واژه Escualido اصطلاحاً به معنای لاغرمردنی، نی‌قلیان، و ضعیف و رقت‌انگیز است.

۲. «قانون منع هرگونه عملیات تجاری و استیجاری با رژیم مستبد نامشروع ونزوئلا» مصوب سنای ایالات متحده.